

قالیاف: نباید ۴سال دیگر به این شرایط وقت بدهیم

صفحه ۲

چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ ■ ۶شعبان ۱۴۳۸ ■ ۳مه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۱۵۰ ■ صفحه ۱۶صفره ۱۰۰۰تومان

تیتربهای امروز

حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی در اجتماع پرشور مردم همدان:

فساد فرا جناحی شده



صفحه ۲

سند جدید از هزینه‌های سرسام آور «دولت رکود»

۸۸۰ هزار میلیارد تومان بودجه صرف چه شد؟

صفحه ۱۶

سرپرست اسبق وزارت اقتصاد:

روحانی رئیس‌جمهور شود اقتصاد هزینه سنگینی می‌دهد

صفحه ۱۶

نارضايتی‌های اجتماعی از مشکلات اقتصادی و ناامیدی از تشکیل کميبن هنرمندان حامی دولت

هنرمندان شریک دولت نمی‌شوند

صفحه ۱۴

روزنه

چه چیزی بدتر از رکود و بیکاری است؟

- محمد زعیمزاده

صد و چند روزی از حضور دونالد ترامپ بر مسند ریاست‌جمهوری ایالات متحده می‌گذرد و چند روزی هست رسانه‌ها و مطبوعات آمریکا پیکپر فرجام وعده‌های صد روزه ساکن جدید کاخ سفید شده‌اند. رسانه‌ها و نیگبان سیاسی آمریکا اصطلاحا می‌گویند ماه عسل ترامپ به پایان رسیده است و ۵ قول صریحی که برای تحول و حل مشکلات اقتصادی مانند اصلاح پروژه درمانی اوباما یا تغییر قانون مالیاتی ایالات متحده داده بود، هیچ‌کدام به نقطه مطلوبی نرسیده است. نظرسنجی پژوهشی معتبری که توسط ان‌بی‌سی انجام گرفته است، می‌گوید ۶۰ درصد مردم آمریکا منتقدند ترامپ به وعده‌های صد روزماش عمل نکرده و تا اینجا صداقتش زیر سوال رفته است.

مسئله عمل به وعده صد روزه فقط به ایالات متحده محدود نمی‌شود، جناب روحانی اخیرا فرموده‌اند برای دولت دوم خود هم برنامه ۱۰۰ روزه دارند و خیلی پرفشار تاکید کرده‌اند «باز هم» برنامه ۱۰۰ روزه دارند. کلمه «باز هم» احتمالا به این معناست که قبلا هم این قول را داده‌اند، تا اینجا را مردم هم یادشان هست، از آنجا به بعدش را هم البته مردم یادشان هست اما گویا آقای روحانی فراموش کرده‌اند! فراموش کرده‌اند در آخرین کنفرانس خبری خود از بیخ و بن همه چیز را تکذیب کرده و گفتند این القای تخریبگران است که من چنین چیزی گفتم‌ام و اساسا آدم کم‌عقل قول حل ۱۰۰ روزه مشکلات را می‌دهد!

جناب روحانی حتی دوست ندارند توضیح دهند از امروز تا ۱۲ مرداد که جناب‌شان دولت را ان‌شالله تحویل دولت بعد می‌دهد، حدود ۱۰۰ روز فرصت باقی است؛ اگر واقعا چیزی وجود دارد و فکری شده است و برنامه‌ای هست چرا در همین ۱۰۰ روز اتفاقی رخ نمی‌دهد؟ و دولت دوست دارد ماجرا را به آینده و پس از انتخابات حواله کند؟

شاید پاسخ این باشد که تقریبا دولتی وجود ندارد؛ رئیس‌جمهور و معاون اولش کاندیدای انتخاباتند، معاون اجرایی رئیس‌جمهور مدت‌ها قبل برای فعالیت‌های انتخاباتی استعفا کرده و بقیه وزرا هم در گوشه و کنار فکر و ذکرشان انتخابات است.

حسین قدیانی: «اسلام» همان دینی است که پیامبر بلندمنزلت آن، نه «کار» را عار می‌دانست و نه حتی بوسه بر دست «کارگر» را! و اینکه مولای متقیان، آن همه تاکید داشتند بر حفظ بیت‌المال، یکی هم برای این بود که مبدا دسترنج کارگر، سر از حقوق اعیان و اشراف درآورد! پس در اسلام، هم «کار» مقدس است

و هم «کارگر»! دیروز، سالروز میلاد امام سجاد علیه‌السلام بود. در «صحیفه سجادیه» متعلق به حضرت زین‌العابدین، دعایی هست بدین مضمون که «خدایا! مرا به توفیق انجام بهترین کارها برسان». ناظر بر شرایط امروز جامعه اما گمان نکنم هیچ کاری بهتر از خود «کار» باشد! و اینکه هر که هر کجا هست، کارش را به نحو احسن انجام دهد، بویژه جماعت عزیز کارگر که در کارخانه‌های بزرگ یا کارگاه‌های کوچک، با کمترین حقوق ممکن مشغول کارند، بلکه چرخ اقتصاد کشور، از همین چرخش حداقلی هم بازنماند! مع‌الاسف در سال‌های اخیر، شمار قابل توجهی از کارگران عزیز ما، متأثر از بلیه بزرگ رکود، کار خود را از دست داده‌اند! کیست اما کارگر؟! الا همان که در روزگار جنگ، برادری خود را تمام و کمال اثبات کرد؟! یک کارخانه آبا شما سراغ دارید که در مقطع دفاع‌مقدس، چندین و چند شهید، تقدیم امنیت این کشور نکرده باشد؟! از اول انقلاب تا امروز، هر جا که لازم به هوشیاری جماعت کارگر در قبال نقشه‌های رنگارنگ دشمن بدخواه بوده، صاحب کار و مردان تلاش، هوشیاری خود را حفظ کرده‌اند! بارها شده که کارگر، به چیزهایی من‌جمله تعویق در پرداخت حقوق خود معترض بوده، به حق هم معترض بوده اما همین که دیده دشمن دارد از اعتراض او سوءاستفاده می‌کند، بی‌گسادی مطالبات خود را در بستری ادامه داده که به یاد کردن دشمن بدخواه منتهی نشود! سر همین است که می‌بینیم با وجود همه کاستی‌ها و همه کمبودها، کمترین حاشیه‌ها را همین قشر مظلوم کارگر داشته‌ا در این قریب ۴۰ سال، فتنه‌های ریز و درشتی در خاطر همه ما هست اما هیچ‌کدام از این فتنه‌ها، ناظر بر غفلت کارگر به‌وجود نیامده چرا؟! چون کارگر اساسا مرد عمل است و آنکه ادعا و آنکه سخن با کار خود و عرق جبین خود می‌گوید، چه نیاز به حاشیه‌افرینی! اعتراضی هم اگر داشته، آن را طوری ابراز نکرده که به قول معروف، منجر به شر شود! غیر از این بوده؟! یک فتنه و فقط یک فتنه را مثال بزنید که متأثر از فتنه کارگران پرتلاش ما، برای این کشور و این مردم، غائله درست کرده باشد! شاید مکرر شده که کارگر به خاطر مسائل مالی و به‌واسطه مصائب معیشتی، آبروی خودش رفته اما هرگز نگذاشته آبروی ایران عزیز، نزد این همه دشمن مترصد برای سوءاستفاده برود! این مهم، علاوه بر متانت ذاتی قشر کارگر، یکی هم البته ناشی از آن بوده که کارگر می‌دیده و می‌شنیده که دست‌اندرکاران این نظام، همیشه خود را خادم و نوکر مردم معرفی می‌کردند! و اگر جایی اشکالی بوده، هیچ راهی هم نبود! «حضرت واد» هم رسما در کار نبوده! از اول انقلاب تا همین امروز، بارها و بارها دشمن پلید قصد کرده بود کارگران ما را به بهانه‌های مختلف، به وقایع اعتراض و اعتصاب و حتی اگر شده شورش بکشاند اما همانطور که اشاره کردم کارگر ضمن حفظ هوشیاری و البته بزرگواری، آبروی مملکت را به آبروی خود ترجیح داده! باورم هست اما این دو آبرو، جدا از هم نیست! وقتی کارگر، بیکار می‌شود، این فقط او نیست که نزد زن و بچه، شرمند می‌شود؛ «حضرت واد» هم رسما و علنا اعلام می‌کند که از دیدن کارگر بیکار، شرمند می‌شوند! و از دیدن این همه نامه و ناله و گلابه، شرمند می‌شوند! با اینکه همه می‌دانیم و خود کارگران معزز ما هم می‌دانند که امور اجرایی کشور، اصلا و ابدا دست رهبر انقلاب نیست! و ایشان، صندلی و مستی در این باره ندارند اما آن عزیز فرزانه که در «مکتب

روزنامه صبح ایران



VATANEMROOZ.IR

۱۱۷۸سال و ۱۴۶روز گذشت

لیست خدمت برای انتخابات شورای شهر تهران اعلام برنامه کرد

جلال ملکی سخنگوی ائتلاف خدمت

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2150 ■ Wed.May.03.2017 ■ ISSN:2008-2886

یادداشت امروز

دیپلماسی کجا بود؟

از هامون تا ریاض!

- زهرا طباطبی

زیرسازه تحلیل دوگانه «جنگ و صلح» ارائه تصویر مخدوش از نظامی‌گری و دفاع از کشور با تمسک به قدرت اسلحه است. آنها که عاقل و ملی‌گرا و دوراندیش هستند هرگز اجازه نمی‌دهند بحث «دفاع از وطن» آن هم در جنگ با تروریست‌هایی که پروپاگاندا‌ی وحشت آنها‌از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب جهان را درنوردیده، با بزرک و دوزک پیشاانتخاباتی یک حزب سیاسی در معرض شکست، لوٹ شود. با این حال اینجا ایران است و کرباسچی‌هایش از چشمان خیره ملت به دهان بزرگ‌شان شرم نمی‌کنند. «سایه جنگ خیالی» را در شوی تبلیغاتی‌شان بر سر ملت پهن می‌کنند تا خود را سپر سیاسی مردم با جایگاهی مهم و غیرقابل حذف شدن جلوه دهند و در مقابل قدرت دفاعی کشور را با شعار «هناکاره با داعش» به جای «مبارزه با داعش» تضعیف می‌کنند که تحلیل نخست‌را تثبیت کنند.

این قطعا یک رقابت سیاسی میان ملی‌گرایان نیست! نشانه‌اش هم اینکه پخش ۱۰ ثانیه آگهی تبلیغاتی در شبکه‌های خارجی رسمی به نفع یک حزب، فرد یا حتی شرکت تبلیغاتی شهیر، هزاران دلار قیمت دارد اما آنتن شبکه‌های انگلیس، آمریکا و حتی ترکیه و اتحادیه اروپایی از چند ماه قبل به هزینه دشمن و بیگانه، به نفع «فرگرایان ایران» رزرو شده است.

عاقل را از نحوه موضع‌گیری برابر جاهل و پاسخ‌دهی به او باید شناخت. اگر جاهل مردم‌فریب، مولفه‌های مردم‌سالاری را به بازی می‌گیرد تا قدرت سیاسی خود را با ترس از وقوع جنگی موهوم دوام بخشد و دیکتاتوری و وحشت در سرزمین «حقوق شهروندی» بر پا دارد، عاقل برابر مبارزه با تخیلات او، کنشورش را تضعیف نمی‌کند. اما گشتی در صفحات تاریخ مفید فایده است...

ریزومرگ در شرق

۴ سال اخیر در عرصه سیاست خارجی پرفراز و نشیب بود. توافق با غرب بر سر برنامه هسته‌ای کشور،مان از منظر رسانه‌های بسیار مورد توجه قرار گرفت اما مسوارد بسیاری نیز ذیل این یکجانبه‌گرایی غربی از قلم افتاد. ظریف و همکارانش در قصوری عجیب و غریب ستاندن «عقله هامون» از رودخانه هیرمند را انگار که مهم نباشند، در خیابان‌های مه گرفته لسوزان عزیزدگان از یاد برندند! نتیجه اینکه سیستم‌ان‌پولپرستان با بیکاری ۲۴ هزار نفری دامداران و کشاورزان و صیادان از گذشته نیز فقیرتر شد. بحران «بزرگدها» علاوه بر غرب در شرق نیز جاودانه شد و کراثبت شنی متأثر از توفان‌های شن، سرطان پوست، سل، بیماری‌های عفونی و خونی و ولادت نوزادان ناقص الخلقه‌افزایش یافت.

تحریم پشت تحریم!

هامون، هریرو د و هیرمند در رست‌های برجاسی آقایان به فراموشی سپرده شد اما این بیدان معنا نیست که مثلا «تقش برجام» با عنایت ویژه دستگاه دیپلماسی پیگیری شد! روز نخست تصویب پیش‌نویس توافق هسته‌ای در ژنو، ده‌ها تحریم جدید علیه کشورمان وضع شد، افسراد و سازمان‌های ایرانی بسیاری از حق و حقوق بین‌المللی‌شان منع شدند و در فضای جهانی تحقیر ایرانیان با برداشت میلیارد‌ها دلار از اموال بلوکه مردم ادامه یافت. هر بار ظریف و همکارانش به ملت قول دادند حیف و میل بیت‌المال توسط آمریکایی‌ها را با «اعای خسارت» و بیکسیری بین‌المللی متوقف کنند اما بعید می‌دانیم حتی یک دادخواست صحیح و منطبق با حقوق بین‌الملل نیز در دادگاه‌های آمریکا به ثبت رسانده باشند!

گردشگران پاکستانی

مرزهای شرقی کشور نیز در ۴ سال اخیر دوره‌های مختلفی از ناامنی مقطعی را تجربه کرد اما به‌رغم روابط نسبتا خوب با پاکستانی‌ها، دستگاه دیپلماسی حتی نتوانست امنیت توریست‌ها و زائران پاکستانی را که از مرز ایران خارج شده و راهی شهر و دیار خود می‌شدند تأمین کند. نتیجه اینکه رفت‌وآمد شیعیان پاکستان به ایران، بسیار کاهش یافت تا خارطه اتوبوس‌هایی که در مسیر بازگشت از ایران، زائرانش زنده زنده جلوی چشم مردم در آتش می‌سوختند،التمام بابد.

خشم از تعلل

البته پدران تروریست‌های شرق ایران، در دوره روحانی حسابی به دستگاه دیپلماسی برادران خود محبت ورزیدند.

ادامه در صفحه ۵

پناه می‌برم به خدا از خرد کردن دهان کارگران!

هم اکتفا نمی‌کنند؛ چشم می‌دوزند به دوربین و اظهار می‌دارند: «ما شرمند نیستیم»! شگفتا از این پدیده! کارگر اعتراض می‌کند و فریاد می‌زند «بیکاری، بیکاری، بیکاری» اما ایشان به جای یک کلمه همدردی، لااقل در مقام حرف، جواب می‌دهند که «با شعار، مسائل حل نمی‌شود»! یعنی برگرداندن همان حرف کارگر به خودشان! از قضا اینکه «با شعار، مسائل حل نمی‌شود» سخن جمهور است با رئیس‌جمهور یا به عبارت بهتر رئیس دولت حرف! بعد هم که یک بار معلوم نیست آفتاب از کدام طرف در آمده که گذر آقای روحانی به فلان کارخانه می‌افتد، ایشان درون ماشین شاسی‌بلند، از خط تولید آن کارخانه که قداستی در حد خط مقدم جنگ دارد، بازدید می‌کنند! و زحمت ۵ دقیقه پیاده شدن از ماشین را هم به خود نمی‌دهند! مدیر ۴ درصدی همین است دیگر! بازدید هم که از کارخانه می‌کند، به دور از حداقل احترام است! و همراه با حداکثر تیختر! بعد هم کارگر می‌بیند که پیاده مد نظر، عین آب خوردن، منکر وعده‌های خود می‌شود! وعده تحول ۱۰۰ روزه، وعده لغو تحریم‌ها، وعده مبارزه بی‌درنگ با فساد و تبعیض! همه را منکر می‌شود! در حرف و در عمل! در حرف، مدعی می‌شوند مدیران با حقوق ماهی ۱۰۰ میلیون و بلکه هم بیشتر، «ذخیره و امانتدار» هستند! در عمل هم دریغ از معرفی یکی از این نجومی‌بگیران به دستگاه قضا! کارگر با خود زمزمه می‌کند چگونه خزانه برای کار و تولید و معیشت قشر محروم، خالی است اما برای حقوق‌های نجومی، علی برکت‌الله!! کارگر اما باز هم صدرا می‌کند لیکن یک روز صبح که از خانه بیرون می‌آید، ناگهان می‌بیند در دیوار شهر پر شده از پوستر خانه کارگر که «رای ما دکتر حسین روحانی»! و این در حالی است که هنوز هیچ نامزدی، تبلیغ کاغذی خود را شروع نکرده! دوباره کارگر به نجوای درون می‌پردازد که چرا من و نام من باید خرج تبلیغ برای نامزدی شود که حتی بعد از بیکاری من هم حداقلی از شرمندگی را ولسو در زبان ابراز نمی‌کند؟! آقای روحانی! قبول کنید دیگر عصبانی کردید قشر کارگر را! یک روز جواب شما را نداد، ۲ روز نداد، ۳ روز نداد، ۴ سال نداد

اما اسطوره صبر و تحمل هم که باشی، یک جا عاقبت مجبور می‌شوی به واکنش! آنهم کجا! در حرم امام محرومان و امام همین کارگران! و امام همین شهدای کارگر! و امام همین برونسی‌بنا! و امام همین عباس دست‌طلای مکانیک! البته که همین، امام ۴ درصدی‌ها نبود! وقتی با آن همه کارنامه لرزان، روزی از نام مقدس کارگر سوءاستفاده می‌کنند و دگر روز هم حرم روح خدا را با ستاد تبلیغاتی خود اشتباه می‌گیرند، خدا هم اینگونه جواب‌شان را می‌دهد! با نشان دادن خشم کارگر! و فریاد کارگر! حرم امام پابرنه‌ها را تو بر داری خرج جبران رساندن تقریبا هیچ خود کنی و خدا هم فقط تماشاجی باشد؟! میهات! خدا جای حق نشسته! خدایی که خمینی و خامنه‌ای به ما نشان داده‌اند، خدایی نیست که راضی از مدیران اهل تیختر و دروغ باشد! که کارگر بیکار باشد و مدیر بگوید من و شرمندگی؟! در نهایت، سخنی و عرض، تمام! تهدید کارگر معترض به خردکردن دهان، هم مزدور خطاب شده نه وابسته به حزبی بودند (چرا که خانه کارگر در تمام دیوارهای شهر شاهد شعار در تمجید این تدبیر باشد، پس صلاح همان بود که در برنامه‌ای فرمایشی و در سانس محدود با عنوان کارگر و با حضور اعضای خانه کارگر و نهادهای مشابه تریبونی یک طرفه برای رئیس‌جمهور تدارک دیده می‌شد تا شاید همان یک ساعت امیدی که کارگران هنگام سردادن شعار برای رساندن صدای‌شان به عالی‌ترین مقام اجرایی کشور پیدا کرده بودند با شنیدن وعده «خرد شدن دهان» ناامیدمی‌شد.

او، چشم می‌دوزد به چشم کارگر بیکار و مدعی می‌شود: «رکود نداریم!» واقعا در نوع خود، پدیده‌ای هستند این آقای روحانی! رکودی که هست را می‌گویند نیست اما ناشطی که متأثر از بیکاری و ورشکستگی این همه کارخانه و کارگاه، وجود خارجی ندارد را می‌گویند هست! و تازه به این هست و نیست عجیب و غریب



نشکنیم قلم‌ها را، خرد نکنیم دهان‌ها را!

- صالح فرامرزی

یادداشت یک

این مجری بی‌ادب اما با صداقت که کارگران مطالبه‌گر حقوق خود را «مزدور» خطاب کرد و وعده «خردن کردن دهان‌شان» را در پاسخ به شعارهای‌شان داد، انقدرها هم که مورد همه قرار گرفته مقصر نیست؛ نباید بهای صداقت اینقدر سنگین باشد تا مجری بعدی به‌جای آنها از حامیان دولت بودند) به‌صورت مونولوگ رئیس‌جمهور در تمجید از فضای مطلوب و آزاد دانشگاه آن هم در شرایطی که تنها دانشجوی پشت تریبون رفته آن برنامه اعلام داشته بود او را از حمل کاغذی که در آن متن سخنانش مقابل رئیس‌جمهور را به نگارش در آورده بود با استدلال محدودیت‌های امنیتی منع کرده بودند.

رویکرد مذکور رویکردی موفق است نه از آن جهت که مشکلات یک قشر را مرتفع می‌کند، چنانکه بارها سخنرانی رئیس‌جمهور در فضای پادگانی دانشگاه و منع کردن دانشجویان از حضور در این سخنرانی‌ها که شایبت تمامی‌شان «عبور از فضای امنیتی در دانشگاه بود» مانع از لغو مجوزهای زنجیره‌ای برنامه‌های تشکل‌های منتقد دولت نشد، بلکه از آن جهت که با در اختیار گذاشتن یک فضای آکادوبومی که حصار آن جو امنیتی و عدم جواز حضور بدنه آن قشر است، این ظرفیت را برای دولت ایجاد می‌کند که از جانب یک قشر، خود بگوید و خود بخندد.

با این اوصاف آنچه در مرقد امام(ره) گذشت به عجیب بود و نه غیرمنتظره؛ این کارگران مزدور خطاب شده نه وابسته به حزبی بودند (چرا که خانه کارگر در تمام دیوارهای شهر شاهد شعار در تمجید این تدبیر باشد، پس صلاح همان بود که در برنامه‌ای فرمایشی و در سانس محدود با عنوان کارگر و با حضور اعضای خانه کارگر و نهادهای مشابه تریبونی یک طرفه برای رئیس‌جمهور تدارک دیده می‌شد تا شاید همان یک ساعت امیدی که کارگران هنگام سردادن شعار برای رساندن صدای‌شان به عالی‌ترین مقام اجرایی کشور پیدا کرده بودند با شنیدن وعده «خرد شدن دهان» ناامیدمی‌شد.

نهج‌البلاغه» درس خوانده و درس داده‌اند، مگر می‌توانند بیکاری را ببینند و شرمندگی کارگر کار از دست‌داده را ببینند و زبان به همدردی نکشایند؟! طرفه حکایت اینجاست که ما در دولت فعلی، با پدیده‌ای به نام «حسن روحانی» روبه‌رو هستیم که همه حتی وزرایش، رکود و بیکاری را معضل اول اقتصاد کشور می‌خوانند اما

نهج‌البلاغه» درس خوانده و درس داده‌اند، مگر می‌توانند بیکاری را ببینند و شرمندگی کارگر کار از دست‌داده را ببینند و زبان به همدردی نکشایند؟! طرفه حکایت اینجاست که ما در دولت فعلی، با پدیده‌ای به نام «حسن روحانی» روبه‌رو هستیم که همه حتی وزرایش، رکود و بیکاری را معضل اول اقتصاد کشور می‌خوانند اما

این مجری بی‌ادب اما با صداقت که کارگران مطالبه‌گر حقوق خود را «مزدور» خطاب کرد و وعده «خردن کردن دهان‌شان» را در پاسخ به شعارهای‌شان داد، انقدرها هم که مورد همه قرار گرفته مقصر نیست؛ نباید بهای صداقت اینقدر سنگین باشد تا مجری بعدی به‌جای آنها از حامیان دولت بودند) به‌صورت مونولوگ رئیس‌جمهور در تمجید از فضای مطلوب و آزاد دانشگاه آن هم در شرایطی که تنها دانشجوی پشت تریبون رفته آن برنامه اعلام داشته بود او را از حمل کاغذی که در آن متن سخنانش مقابل رئیس‌جمهور را به نگارش در آورده بود با استدلال محدودیت‌های امنیتی منع کرده بودند.

رویکرد مذکور رویکردی موفق است نه از آن جهت که مشکلات یک قشر را مرتفع می‌کند، چنانکه بارها سخنرانی رئیس‌جمهور در فضای پادگانی دانشگاه و منع کردن دانشجویان از حضور در این سخنرانی‌ها که شایبت تمامی‌شان «عبور از فضای امنیتی در دانشگاه بود» مانع از لغو مجوزهای زنجیره‌ای برنامه‌های تشکل‌های منتقد دولت نشد، بلکه از آن جهت که با در اختیار گذاشتن یک فضای آکادوبومی که حصار آن جو امنیتی و عدم جواز حضور بدنه آن قشر است، این ظرفیت را برای دولت ایجاد می‌کند که از جانب یک قشر، خود بگوید و خود بخندد.

با این اوصاف آنچه در مرقد امام(ره) گذشت به عجیب بود و نه غیرمنتظره؛ این کارگران مزدور خطاب شده نه وابسته به حزبی بودند (چرا که خانه کارگر در تمام دیوارهای شهر شاهد شعار در تمجید این تدبیر باشد، پس صلاح همان بود که در برنامه‌ای فرمایشی و در سانس محدود با عنوان کارگر و با حضور اعضای خانه کارگر و نهادهای مشابه تریبونی یک طرفه برای رئیس‌جمهور تدارک دیده می‌شد تا شاید همان یک ساعت امیدی که کارگران هنگام سردادن شعار برای رساندن صدای‌شان به عالی‌ترین مقام اجرایی کشور پیدا کرده بودند با شنیدن وعده «خرد شدن دهان» ناامیدمی‌شد.

رویکرد مذکور رویکردی موفق است نه از آن جهت که مشکلات یک قشر را مرتفع می‌کند، چنانکه بارها سخنرانی رئیس‌جمهور در فضای پادگانی دانشگاه و منع کردن دانشجویان از حضور در این سخنرانی‌ها که شایبت تمامی‌شان «عبور از فضای امنیتی در دانشگاه بود» مانع از لغو مجوزهای زنجیره‌ای برنامه‌های تشکل‌های منتقد دولت نشد، بلکه از آن جهت که با در اختیار گذاشتن یک فضای آکادوبومی که حصار آن جو امنیتی و عدم جواز حضور بدنه آن قشر است، این ظرفیت را برای دولت ایجاد می‌کند که از جانب یک قشر، خود بگوید و خود بخندد.

ادامه در صفحه ۵